

تعامل سند چشم‌انداز نظام با نقشه مهندسی فرهنگی

دکتر برزو قرهی - عضو هیات علمی دانشگاه امام حسین (ع)

چکیده: موضوع چشم‌انداز در مجموعه مباحث مدیریت استراتژیک تغییر قرار می‌گیرد. در مباحث مدیریت استراتژیک تغییر موضوعاتی از قبیل تعیین مقاصد و مسیر، ساختارها (اعم از عوامل سخت‌افزاری و نرم‌افزاری)، عوامل انجام کار یا نیروی انسانی و عوامل زمینه‌ای (فرهنگ و محیط) مورد بحث قرار می‌گیرد. برای انجام هر گونه تغییر و تحول اساسی در جامعه یا سازمان بایستی به کلیه عوامل در اختیار و عواملی که در اختیار نیستند، توجه لازم مبذول گردد. در حقیقت تعیین مقصد و مسیر، خود تابعی است از عوامل ساختاری، انسانی، فرهنگ و محیط که در هنگام توسعه و تحول بایستی به طور همزمان نسبت به توسعه آنها اقدام نمود و گرنه موضوع تغییر به درستی درک نشده و تغییر در آن تا محدوده مشخص پیش می‌رود و سپس متوقف می‌گردد. برای انجام تغییرات بنیادی که با تعیین مقصد و مسیر (چشم‌انداز و استراتژی) شروع می‌شود، شناسایی وضعیت‌های مختلف (موجود، هدف و مطلوب) و تعیین مسیر

است از عوامل ساختاری، انسانی و زمینه‌ای. برای حرکت به سوی آینده مطلوب؛ بایستی نسبت به سه وضعیت موجود، هدف و مطلوب شناخت حاصل نماییم. شناخت هر وضعیت در گروه شناخت فرهنگ و عوامل محیطی تأثیرگذار می‌باشد. شناخت نوع ارزش‌ها، باورها و رفتارهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و تلاش در جهت نوسازی و بازسازی کلان نظام کشور بر پایه فرهنگ مهندسی شده، موضوع مهندسی فرهنگی کشور است.

نظام جامع توسعه، نظامی است متشکل از پنج رکن اصلی:

- ۱. مولفه‌های اصلی:** هسته مرکزی مدل می‌باشد و هر نوع تغییر و تحولی باید حول آن صورت گیرد. چشم‌انداز نظام (یا مقاصد و اهداف) در این قسمت قرار می‌گیرد.
- ۲. مولفه‌های پشتیبانی (سخت و نرم):** کلیه عواملی که زمینه تحقق چشم‌انداز و اهداف را میسر می‌سازند (ساختارهای کلان نظام در بخش‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جز عوامل ساختاری تلقی می‌شوند).
- ۳. مولفه‌های مدیریتی:** نظام برنامه‌ریزی، سازماندهی، هدایت و سرپرستی و نظارت و کنترل که کلیه امکانات و منابع جامعه را در جهت تحقق چشم‌انداز (مقاصد و اهداف) ساماندهی می‌نماید.

۴. اصول و مبانی حاکم بر نظام: مجموعه‌ای از قواعد کلی ناظر بر نظام راهبردی و نظام جامع مورد نظر که جهت‌گیری‌ها و اولویت‌ها را تعیین می‌نماید.

۵. تعاملات محیطی: تعیین عوامل تأثیرگذار محیطی (دور یا نزدیک) بر نظام جمع مورد بررسی.

بنابراین می‌توان چنین ادعا نمود که چشم‌انداز جمهوری اسلامی؛ الهام بخش تدوین چشم‌انداز بخش‌های مختلف جامعه می‌باشد. این چشم‌اندازها بایستی با توجه به مبانی ارزشی و اعتقادی برای سه وضعیت موجود، هدف و مطلوب ترسیم گردد. نظام جامع توسعه؛ نحوه تخصیص منابع و امکانات را حول چشم‌انداز نظام تعیین می‌کند. در حقیقت همان‌طور که چشم‌انداز نظام کارکرد ایجاد تمرکز در تخصیص منابع و امکانات را دارد، نقشه مهندسی فرهنگی کشور؛ از کارکردی محتوایی در ساختن ایرانی با هویت اسلامی، انقلابی و الهام‌بخش در جهان اسلام برخوردار می‌باشد و تدوین سند نظام جامع توسعه می‌تواند به ساماندهی کلیه ساز و کارهای سخت‌افزاری و نرم‌افزاری و نظام مدیریتی در جهت تحقق چشم‌انداز و دستیابی به مقصد و هدف کمک نماید.

مفاهیم پایه و اساسی:

۱- چشم‌انداز

چشم‌انداز؛ بیانگر هدف والایی است که

مقدمه

هیچ موتوری به توانمندی چشم‌اندازی متعالی، شفاف و مشترک، نمی‌تواند در اراده یک ملت عزم و حرکت ایجاد نماید. در حقیقت بدون داشتن مقصد و مقصود متعالی و تبیین شده نمی‌توان به سمت مشخص و واحدی حرکت نمود. داشتن چشم‌انداز و مقصد و مسیر؛ موجب ایجاد تمرکز در تخصیص منابع و امکانات می‌شود و در نتیجه اثربخشی، بهره‌وری، توسعه و تعالی نظام اجتماعی را به ارمغان می‌آورد.

لازمه انجام هر گونه تغییر، تحول و توسعه‌ای توجه به ابعاد اساسی یا موضوعات اصلی تغییر می‌باشد. اندیشمندان مدیریت استراتژیک تغییر؛ اصلی‌ترین موضوعات تغییر را در چهار محور برشمرده‌اند:

۱. عوامل جهت دهنده (مقصد و مسیر)
 ۲. عوامل ساختاری (سخت‌افزاری و نرم‌افزاری)
 ۳. عوامل انسانی یا نیروی انجام کار
 ۴. عوامل زمینه‌ای (محیط / فرهنگ)
- اگر بخواهیم توسعه و تحولی پایدار را تجربه نماییم؛ بایستی به کلیه عوامل فوق توجه جدی نماییم چرا که تغییر هر عامل تابعی است از عوامل دیگر؛ به طور مثال مقصد و مسیر تابعی

سازمان و جامعه به دنبال تحقق آن است (کریتر و کینیکی ۲۰۰۴: ۸۱؛ رضائیان ۱۳۸۴: ۶). چشم‌انداز به معنی بینش و دوراندیشی مبتنی بر تصور و تجسم آینده است. چشم‌انداز عبارت است از آینده‌ای واقع‌گرایانه، محقق‌الوقوع و جذاب برای سازمان یا جامعه. چشم‌انداز همواره با آینده سر و کار دارد. در حقیقت چشم‌انداز آنجایی است که فردا آغاز می‌شود.

۲- سند چشم‌انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران:

بیانیه چشم‌انداز نظام؛ مبتنی بر شناخت مشترک اهداف نظام، چالش‌های مورد انتظار و شایستگی‌های محوری نظام تدوین شده است و جوهره نظام مقدس جمهوری اسلامی را در بر می‌گیرد. چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴ در واقع یک مفهومی است که در پنج گزاره ذیل معرفی شده است: ایران کشوری است توسعه یافته، با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فن‌آوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌المللی.

۳- نقشه مهندسی فرهنگی کشور:

تعریف چند مفهوم در تبیین نقشه مهندسی فرهنگی کشور مؤثر خواهد بود:

تعریف سیستم: سیستم یک کل متشکل از دو جزء یا بیشتر است که واجد پنج شرط زیر می‌باشد:

۱. کل مورد نظر یک و یا بیش از یک ویژگی و یا کارکرد معین را دارا باشد.
۲. هر جزء از اجزاء مورد نظر بتواند رفتار و یا ویژگی‌های کل را تحت تأثیر قرار دهد.

۳. در مجموعه مورد

نظر، زیر مجموعه‌ای

از اجزای وجود دارند

که برای تحقق کارکرد

معین و تعریف شده

کل در یک و یا بیش

از یک محیط کفایت

می‌کنند.

۴. تأثیرگذاری هر یک

از اجزای ضروری بر

رفتار و ویژگی‌های

سیستم؛ بستگی به

رفتار و ویژگی‌های

دست کم یک جزء

ضروری دیگر از همان

سیستم دارد.

۵. این اجزاء، جزء‌های

ضروری سیستم

محسوب می‌شوند و بدون هر یک از آنها؛ سیستم نمی‌تواند کارکرد معین خود را دارا باشد.

(ایکاف، ۱۳۸۲: ۱۲).

مهندسی سیستم:

یعنی تعیین اجزاء

اصلی سیستم، تعیین

روابط نظام‌مند بین

اجزای اصلی، چینش

موزون و برقراری

ارتباط منطقی بین

اجزاء سیستم به

گونه‌ای که کارکرد

سیستم با کارایی

(انجام درست کارها)

و اثربخشی (انجام

کارهای درست) همراه باشد (فرهی، ۱۳۸۵: ۹).

به عبارتی دیگر مهندسی سیستم به معنای

نوسازی، بازسازی و طراحی مجدد سیستم

می‌باشد (ناظمی، ۱۳۸۵: ۲۸).

تعریف فرهنگ: فرهنگ یک سیستم است که

دارای اجزای زیر است.

۱. نظام باورها، اعتقادات و مفروضات اساسی

۲. نظام ارزش‌ها و نگرش‌ها

۳. نظام نمادها و رفتارها

مهندسی فرهنگ: مهندسی فرهنگ به معنای

مهندسی سیستم فرهنگ است (ناظمی، ۱۳۸۵: ۲۸).

به عبارت دیگر مهندسی فرهنگ یعنی

شناخت دقیق اجزاء سه گانه فرهنگ و طراحی،

نوسازی و بازسازی

مجدد آنها به گونه‌ای

که ارتباط منطقی و

موزون بین ارزش‌ها و

نگرش‌ها با مفروضات

اساسی، باورها، نمادها

و رفتارها برقرار باشد.

انجام مهندسی فرهنگ

در سه وضعیت فرهنگ

موجود، فرهنگ مناسب

(هدف) و فرهنگ

مطلوب (آرمانی) باید

انجام پذیرد.

مهندسی فرهنگی

کشور: مهندسی

فرهنگی کشور،

نوسازی و بازسازی

کلان نظام کشور؛

مهندسی سیستم یعنی
تعیین اجزای اصلی سیستم
تعیین روابط نظام‌مند
بین اجزای اصلی
چینش موزون و برقراری
ارتباط منطقی بین اجزاء
سیستم به گونه‌ای که
کارکرد سیستم با کارایی و
اثربخشی همراه باشد

نظام‌ها و دستگاه‌ها؛ سیاست‌ها؛ قوانین و سازوکارها لازم برای تحقق فرهنگ آرمانی و فرهنگ هدف

می‌باشد. (رضائیان

۱۳۷۳: ۱۳۸۵؛ ناظمی

۴۵) نقشه مهندسی

فرهنگی کشور: نقشه‌ای

است حاوی سه مفهوم

اساسی زیر:

۱. مهندسی فرهنگ:

در مهندسی فرهنگ؛

شناخت ماهیت فرهنگ

(باورها و مفروضات،

ارزش‌ها، نگرش‌ها،

نمادها و رفتارها) در سه

وضعیت موجود، مناسب

(هدف) و مطلوب و در سطوح و لایه‌های مختلف

فرهنگی (فرهنگ گروهی، فرهنگ سازمانی،

فرهنگ عمومی، فرهنگ ملی و فرهنگ فراملی

شامل زبان، مذهب، منطقه و نژاد) (کاراها،

اواربستوواسرایت، ۱۹۹۸) صورت می‌گیرد.

۲. مهندسی فرهنگی کشور:

در مهندسی فرهنگی کشور؛ نوسازی و

بازسازی نظام کلان کشور اعم از نظام‌های

چهارگانه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی

و کلیه دستگاه‌ها و نهادهای مربوط به هر نظام؛

براساس فرهنگ مهندسی شده صورت می‌گیرد

و نسبت به تبلیغ، ترویج و نهادینه سازی آن

اقدام می‌شود.

۳. مدیریت راهبردی فرهنگ کشور:

نظام مدیریت عالی (راهبردی) فرهنگی

کشور به معنای تعیین سیاست‌های کلان،

تدوین برنامه‌های راهبردی، هدایت و انجام

نظارت عالی بر فرایند انجام مهندسی فرهنگ

و مهندسی فرهنگی کشور است. نظام مدیریت

راهبردی فرهنگی کشور در سه سطح راهبری

(مدیریت عالی)، پشتیبانی (مدیریت میانی) و

اجرایی تحقق نقشه مهندسی فرهنگی کشور

خواهد بود.

بحث و بررسی و نتیجه‌گیری:

بصیرت و چشم‌انداز، تصویری از وضعیت

آینده مطلوب سازمانی و بصیرت بخشی و آرمان

آفرینی، خلق تصویری از وضعیت آینده مطلوب سازمانی است (بس: ۱۹۸۹: ۵۱، ازگلی: ۱۳۸۱: ۲۶۰).

کارکرد اصلی چشم‌انداز، ایجاد ذهنیت مشترک، حس مشترک (Shared Sensing)، معنای مشترک (Shared meaning) و عزم مشترک جهت حرکت به سمت تعالی و سعادت است. در حقیقت چشم‌انداز؛ هدایت برنامه‌های استراتژیک بلند مدت و کوتاه مدت را برعهده دارد و با دیدی دور برد در یک افق زمانی معین، سعی در جلوگیری از انحراف برنامه‌ها و در نتیجه همگرایی و افزایش بازدهی آنها خواهد داشت. (رضایی، ۱۳۸۴: ۱۹).

اگر چه تحقق هر چشم‌اندازی از وضع موجود و حال آغاز می‌شود، ولی تدوین چشم‌اندازها، همواره با این پیش فرض آغاز می‌گردد که تحولات ساختاری و شکل‌گیری شرایطی کاملاً متفاوت از وضع موجود؛ در دوره زمانی یک چشم‌انداز، امکان‌پذیر و به اندازه کافی امید بخش و برانگیزاننده است. به عبارت دیگر چشم‌انداز؛ زمینه شکل‌گیری تحولات، اصلاحات و تغییرات ساختاری را برای رسیدن به نقطه مطلوب و رفع نواقص و کاستی‌ها مهیا می‌کند (همان صفحه ۲۰).

بی‌شک چشم‌انداز نظام مقدس اسلامی (ایران ۱۴۰۴) صرفاً چشم‌اندازی ساختاری نیست.

گزاره‌هایی از قبیل ایران کشوری است با هویت اسلامی و انقلابی و الهام بخش در جهان اسلام؛ ناظر بدین معناست که از نظر ماهیت و محتوا، ایران فردا، کشوری است با مطلوبیت‌های ارزش‌های دینی/اسلامی. براین اساس؛ می‌توان گفت برای رسیدن به چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴؛ حداقل با سه وضعیت موجود،

مناسب (هدف) و مطلوب (آرمانی) سر و کار خواهیم داشت.

شناخت هر سه وضعیت؛ بایستی با رویکرد فرهنگی صورت گیرد. باید بدانیم در حال

حاضر چه میزان هماهنگی یا شکاف بین سطوح و لایه‌های مختلف فرهنگی جامعه وجود دارد و در وضعیت مناسب (هدف) و مطلوب چه وضعیتی خواهیم داشت.

قدر مسلم؛ ایران توسعه یافته مطلوب؛ ایرانی خواهد بود که بین نمادها و رفتارها (محصولات و تولیدات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی)، ارزش‌ها، باورها و اعتقادات دینی/اسلامی آن هماهنگی و همخوانی وجود داشته باشد.

انجام این مهم در گرو شناخت دقیق سه وضعیت مورد بحث با رویکرد مهندسی فرهنگی کشور است. در حقیقت نوسازی، بازسازی و بازآفرینی کلان نظام کشور؛ باید مبتنی بر اهداف فرهنگی صورت گیرد و این همان چیزی است که در نقشه مهندسی فرهنگی کشور باید تحقق یابد.

پیش‌تر گفته شد که با رویکرد مدیریت استراتژیک تغییر، هرگونه تغییر، تحول و توسعه‌ای بایستی به صورت همه جانبه انجام پذیرد. اگر چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴ را تعیین مقصد و مسیر تعریف کنیم؛ دستیابی و تحقق این چشم‌انداز تابعی است از عوامل ساختاری، انسانی و زمینه‌ای (فرهنگ و محیط):

مدل ساختار ایستای توسعه نظام اجتماعی، چارچوب بسیار محکم و قابل فهمی است برای

تحقق این معنا. واقعیات موجود در کشور گویای آن است که بسیاری از سازمان‌ها، نهادها، مؤسسات، مراکز و دستگاه‌های دولتی و غیردولتی به دلیل آنکه به اقتضای نیازمندی‌های مختلف زمانی و مکانی پدید آمده‌اند، از یک نظام جامع سامان یافته برخوردار نیستند.

به عبارت دیگر ریشه اصلی بسیاری از دوباره کاری‌ها، چند

باره کاری‌ها، اتلاف انرژی‌ها و منابع را می‌توان در عدم ساماندهی نظام‌های اجتماعی در بخش‌های مختلف جامعه جستجو کرد و مادام که ساماندهی این نظام‌ها صورت نگیرد، سخن از تحقق چشم‌انداز یک انتظار انتزاعی است.

براین اساس برای آنکه ساختارهای نظام (اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی) در همه سازمان‌ها، دستگاه‌ها، نهادها و مراکز دولتی

و غیر دولتی بتوانند زمینه تحقق چشم‌انداز را فراهم آورند، بایستی مورد بازنگری، بازآفرینی و مهندسی و ساماندهی مجدد قرار گیرند. در این ساماندهی؛ قطعاً هم بخش‌های سخت افزاری و هم بخش‌های نرم افزاری بایستی مورد بازنگری و باز آفرینی قرار گیرند.

برای هر بخشی؛ چشم‌انداز نظام مقدس جمهوری اسلامی باید الهام بخش در تدوین مقصد و مسیر اصلی حرکت آنها (که در هسته مرکزی مدل قرار می‌گیرد) باشد. بر این اساس؛ سه مفهوم چشم‌انداز نظام، مهندسی فرهنگی کشور و نظام جامع توسعه، به ترتیب به عنوان ابعاد معنایی (مقصد و مسیر) محتوایی (مبانی ارزشی فرهنگ اسلامی) و ساختاری (ساماندهی نظام جامع) نقش پیدا می‌کنند.

تعامل چشم‌انداز با نظام جامع و مهندسی فرهنگی کشور در (شکل شماره ۶) نشان داده شده است.

این شکل گویای آن است که برای حرکت به سمت تعالی و پیشرفت، برای دستیابی به ایرانی توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی، فناوری در سطح منطقه؛ در گام نخست باید نسبت به ساماندهی کلیه ساختارهای معطوف به این مقصد و چشم‌انداز اقدام نمود. برای داشتن ایرانی با هویت اسلامی و انقلابی و الهام بخش در جهان اسلام، باید با مطالعه دقیق وضعیت خودمان در سه وضعیت موجود، هدف و مطلوب، حرکت، تغییر، تحول و توسعه را آغاز کرد.

البته لازمه دستیابی به ایرانی توسعه یافته، توجه به عوامل انسانی است و همان‌طور که پیشتر گفته شد نیروی انسانی عامل اساسی و استراتژیک هر جامعه‌ای تلقی می‌گردد. بنابراین توسعه و تحول نیروی انسانی؛ زمینه‌ساز ایجاد تحول و توسعه ساختاری و تدوین چشم‌اندازهای متعالی، شفاف و روشن برای بخش‌های مختلف جامعه در راستای چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴ خواهد بود.

منابع:

۱. فرهی، برزو. تعامل سند چشم‌انداز نظام با نقشه مهندسی فرهنگی کشور و سندهای نظام جامع توسعه. همایش ملی سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ «ظرفیت‌ها و بایستگی‌ها، چالش‌ها و فرصت‌ها» بهمن ۱۳۸۵.
۲. ازگلی، محمد (۱۳۸۳)، رهبری استراتژیک چشم‌انداز، انتشارات دانشگاه امام حسین، ۱۱.

ایران توسعه یافته مطلوب ایرانی خواهد بود که بین نمادها و رفتارها (محصولات و تولیدات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی) ارزش‌ها، باورها و اعتقادات دینی / اسلامی آن هماهنگی و همخوانی وجود داشته باشد



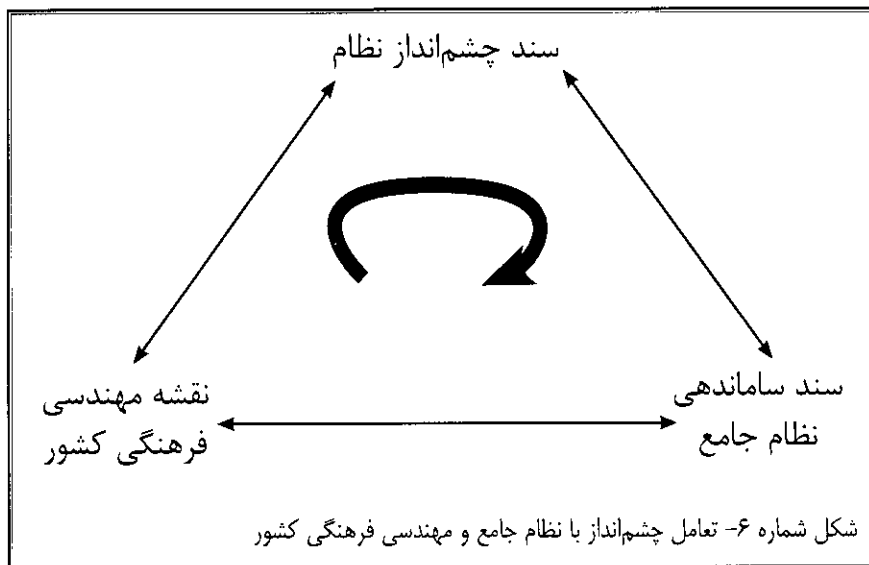
والدین) و ناسازگاری و ناهمسویی میان عرصه‌های مختلف (مدرسه با اجتماع، خانواده با اجتماع و قوانین و مقررات، و مدرسه با تکنولوژی - مثلا در کتاب و کلاس علوم اجتماعی صرفا از آثار سوء تکنولوژی داد سخن برود، در حالی که در محیط کار و حرفه، تأثیرات چشمگیر تکنولوژی را در توسعه رفاه و پیشگیری از آفات اجتماعی و فساد اداری مشاهده شود)، موجب اغتشاش فرهنگی و اختلال در نظام ارزشی شده، شایستگیها و شایسته‌سالاری را مضمحل می‌کند.

۴. در فرایند این عمل خطیر می‌بایست از یک نوع ابتلای ضد ارزش که آقای "کریس آرچریس" استاد دانشگاه هاروارد از آن به عنوان بی‌لیاقتی ماهرانه نام می‌برد پرهیز و مراقبت کرد. این آفت مهلک را نادیده گرفتن و سرپوش گذاردن بر شکاف میان ارزشهای واقعی و رایج و ارزشهای معهود است که همچون ویروس، ارزشهای معهود را مضمحل و نابود می‌کند.

۵. به‌کارگیری عنوان مهندسی در ارتباط با فرهنگ جامعه یک بدعت و ابراز سلیقه نیست، بلکه همان گونه که از مطالب فوق برمی‌آید به لحاظ فراگیر بودن مفهوم فرهنگ و برخورداری آن از ارتباطات پیچیده سیستمی در درون و برون، مدیریت و هدایت فرهنگی جامعه مستلزم تبعیت از اصول و ضوابط مهندسی سیستم‌هاست.

آنچه گفته شد، یک برداشت از مفهوم مهندسی فرهنگی جامعه و مقتضیات آن است. این برعهده مرجع ذی‌صلاح، یعنی شورای عالی انقلاب فرهنگی است که با طرح و انتشار دیدگاههای متفاهم خود از این مفهوم و شأن توجه مؤکد مقام معظم رهبری به این امر، الزامات پرداخت مؤثر به این مهم را فراهم کرده و کلیه آحاد جامعه بویژه محافل آکادمیک را برای هرچه پربارتر این حرکت ترغیب و همراهی کند. ضمنا بایسته است به یک مدلول ضمنی، لیکن بسیار مهم دعوت شورای انقلاب فرهنگی به مهندسی فرهنگی جامعه عنایت ویژه داشت. آنچه می‌تواند نقش شورای مزبور و اثربخشی اقدامات عمدتاً تاکتیکی آن را ارتقا دهد، همانا لیبیک گفتن به این دعوت اساسی است.

منبع: ماهنامه تدبیر شماره ۱۷۴



شکل شماره ۶- تعامل چشم‌انداز با نظام جامع و مهندسی فرهنگی کشور

عالی انقلاب فرهنگی کمیسیون فرهنگی.

۱۰. اعرابی، سید محمد. (۱۳۸۵). مدیریت استراتژیک

تغییر. مرکز راهبردی سیاه

۱۱. اسکات، ریچارد (۱۳۷۴). سازمان‌ها؛ سیستم‌های

عقلایی، طبیعی و باز. ترجمه حسن میرزایی اهرنجانی

و فلورا سلطانی. انتشارات دانشکده مدیریت دانشگاه

تهران.

۱۲. غفاریان، وفا و کیانی، غلامرضا (۱۳۸۴). استراتژی

اثربخش. چاپ سوم. انتشارات فرا.

۱۳. غفاریان، وفا و عمادزاده، مرتضی (۱۳۸۳).

معانی نو ظهور در مفهوم استراتژی. سازمان مدیریت

صنعتی.

۱۴. شاین، ادگار (۱۳۸۳). مدیریت فرهنگ سازمانی

و رهبری. ترجمه: برزو فرهی و شمس‌الدین نوری

نجفی. انتشارات سیمای جوان.

۱۵. باقریان، محمد. (۱۳۸۲). مدیریت راهبردی

با رویکرد بومی. انتشارات مرکز آموزش مدیریت

دولتی.

16. Schein, Edgar (1992) - *Orga-*

nization Culture and Leadership.

Jossey Bass.

17. Karahanna, Elena, Evaristo,

Roberto Syite, Mark (2005). *Level*

of culture: individual Behavior: an

integrative perspective. Journal of

Global information Management.

13(2) 1-20 April - June.

18. Nanus, Burt (1992). *Visionary*

Leadership: creating a compelling

Sense of Direction for Your Orga-

nization. San Francisco. Jossey -

Bass.

۱. رضایی، محسن (۱۳۸۴). چشم‌انداز ایران فردا، انتشارات اندیکا.

۲. نی‌نوس، برت. (۱۳۷۷). رهبری بصیر. ترجمه: محمد ازگلی و برزو فرهی، انتشارات دانشگاه امام حسین(ع).

۳. رضائیان، علی، (۱۳۸۴): ایجاد و استقرار

مدل چشم‌انداز سازمانی در پرتو چشم‌انداز نظام

جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه دانشکده

مدیریت و حسابداری دانشگاه شهید بهشتی. سال

سوم. شماره ۸ و ۹- زمستان ۱۳۸۳ و بهار ۱۳۸۴.

صفحه ۵-۲۳

۴. امیری، مجتبی (۱۳۸۴). انقلاب اسلامی؛

چشم‌انداز آرمانی و ابزارهای عقلانی. فصلنامه

دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه شهید

بهشتی سال سوم، شماره ۸ و ۹، زمستان ۸۳ و بهار

۱۳۸۴. صفحه ۹۶-۸۳

۵. فرهی، برزو. درآمدی بر تفکر مهندسی فرهنگ

و مهندسی فرهنگی کشور، نخستین همایش ملی

مهندسی فرهنگی کشور. دی‌ماه ۱۳۸۵.

۶. ناظمی، مهدی (۱۳۸۵). نقشه مهندسی فرهنگی

کشور (پیشنهادی)، شورای عالی انقلاب فرهنگی.

نخستین همایش ملی مهندسی فرهنگی کشور.

دی‌ماه ۱۳۸۵.

۷. مؤسسه سیمای جوان (۱۳۸۲). نظام جامع توسعه

اخلاق اجتماعی (فرهنگ عمومی)، به سفارش شورای

فرهنگ عمومی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۸. ایکاف، راسل ال. (۱۳۸۲). باز آفرینی سازمان:

طرحی برای سازمان‌های قرن بیست و یکم. ترجمه:

ناصر شریعتی و همکاران، تهران، سازمان مدیریت

صنعتی.

۹. ناظمی، مهدی. (۱۳۸۴). درآمدی بر مهندسی

فرهنگ و مهندسی فرهنگی کشور. دبیرخانه شورای

